

حکومت موقت و جنگ بین الملل اول

(۳)

من دانستم که مقصود نظام السلطنه اینست که آنها را از آلمانها منقطع و زیر دست خود داشته باشد که در مقابل ایشان احدی اظهار وجود ننماید و امروز هم صلاح چون نبود که صدائی از جائی بیرون بیاید اینکار اگر میشد خیلی خوب بود بنده هم موافقت کرده و باین بیان ایشان را قانع کرده از آنجا بیرون آمدیم و قرار گذاریم که آقای وحید الملک و مساوات با آنها قرار ملاقات گذارده بخودم اطلاع بدهند ولی آقایان دیگر بخودم اطلاع ندادند و من هم چون ذاتاً "عجول نیستم چندان داوطلب انجام اینکار بعجله نبودم و گفتم باشد آقایان اقدام خود را نموده اگر نتیجه مطلوب گرفته شد چه بهتر و اگر نه آنوقت بنده اقدام خواهم کرد مساوات سه چهار مجلس با آنها صحبت کرده بودند و نتیجه گرفته روزی اطلاع دادند که نتیجه افکار گرفته شده باید ملاقاتی از آقای نظام السلطنه کرده ولی نتیجه چیست و مطلب چه است هیچ نگفتند اتفاقاً برای تمام کار مهاجرین و کلا که معاشی با آنها داده شود باز آنوقت ملاقاتی از نظام السلطنه شد

آقای مساوات بدون اینکه بنده را از موضوع قرار داد و مذاکراتشان مسوق کنند وارد صحبت شده گفتند که من بختیاریها را دیدم و آنها را به بعضی مطالب متقاعد کردم و آنها سه شرط دارند اول آنکه یکنفری میانه آنها و حضرتعالی واسطه باشد که مطالبشان بتوسط بگذرد ثانیاً "حقوق و فتنگ با آنها بدهند تا بهر کجا مأموریت حاصل میکنند بروند

آقای نظام السلطنه در بین مذاکرات بنای تنقید را گذارد و بگفتههای آنها اعتراض میکردند من دیدم که مساوات بکلی اشتباه رفته و برخلاف مقصود نظام السلطنه نتیجه گرفته اند بلکه آنچه را که او میخواست اول شرط آنها ذکر میکنند لهذا بنای تنقید را گذارد مساوات غافل از مطلب گفت که حضرتعالی امشب برخلاف سابق صحبت میدادید پس دیگر در این موضوع صحبت نمیکنم و دخالت نخواهم کرد و ساکت شدند آنگاه "نظام السلطنه از این اعتراض متغیر شده بنای بدگوئی را گذارده گفت من از بی غیرتمای ... نیستم که در طهران شاهها در مجلس هر اقتضای بر سرشان میآوردید تمکین کرده روی مسند می شنید چون

من حاضر نیستم که از شما تعرض بشنوم من اسم را سوار شده خواهم رفت گور پدر مملکت خودتان میدانید با مملکت و از این قبیل مطالب خیلی مفصل و مشروح ولی آنچه گفت در مقابل جوابی نشنیدم و قوام الاسلام با اصطلاح کوشیده بعد از ساعتی یک اصلاح صوری شده مجلس را ختم کردیم و دیگر چند روزی از این موضوع صحبتی نشد من برای مقصود خود که میخواستم سالار مسعود را کنار گذارده یداله خان و بهادر السلطنه را نگاهداریم روزی با سالار معظم صحبت کردم که من در این زمینه کار میکنم و لازم است در ظرف آقای نظام - السلطنه هم یک مساعدتی بشود و یداله خان را بخود جلب نماید من حاضرم که او را منفرداً همراه خود بیاورم خدمت ایشان مشروط بر اینکه حسن موافقتی هم از طرف ایشان اظهار و بمهربانی ملاقات حاصل شود باین مطلب قانع نشده حضوراً "با خود نظام السلطنه صحبت کردم دیدم که همراه نیست و با کمال بی اعتنائی گفت مضایقه نخواهم کرد دانستم که مفید نیست و این اقدام جز افتضاح برای واسطه نتیجه نخواهد داشت این بود که از این خیال منصرف و کار را بدست تقدیر واگذار د شی آقای نظام السلطنه کاغذی نوشته ملاقاتی خواسته بودند در این ملاقات آقای میرزا ظاهر تنکابنی هم دعوت شده بودند و حاضر شده داخل صحبت شدیم آقای نظام السلطنه گفتند برای یک مأموریتی لازم بود صدو پنجاه نفر سوار با یک نفر آلمانی برای تفتیش روانه شود و از بختیاریها خواستیم تمکین نکردند خواستم شما زحمت کشیده آنها را برای اینکار حاضر نمائید که فردا سان بدهند و حقوق گرفته حرکت کنند ولی بواسطه ضیق مالیه همه حقوق آنها را نمیشود داد مقداری داده میشود بقیه را در آنجا که مأموریت دارند میپردازند محل مأموریت آنها هم ماهی دشت است که با سنجابها باید باشند اما حالیه برای تفتیش خواهند رفت و شاید مراجعت شود و در ثانی بآنجا مأموریت حاصل کنند بنده نگارنده و آقای تنکابنی هم اقدام نموده آنها را حاضر کردیم ولی چه فایده که از طرف بختیاریها مساعدت و همراهی شد اما از طرف آقای نظام السلطنه ایبداً موافقتی اظهار نشد آنها حاضر شدند که سان بدهند و بهادر السلطنه هم سان داد ولی در مقابل برای ادای حقوق آنها گفتند که صد لیره بآنها داده میشود در صورتیکه عده آنها اقلاً سیصد و پنجاه نفر بود اگر چه خودشان چهارصد و پنجاه میگفتند و این صد لیره کفایت قروض سوارشان را نمیکرد چه برسد که بتوانند بآن چند روزی گذران کنند .

بختیاریها بعد از اینکه این نامساعدتی را دیدم عازم حرکت بطرف عربستان و خانههای خودشان شدند من هم چون دانستم کینه دیرینه و لجاجت درکار است خود را کنار کشیده بخانقین آمدم .

در غیاب بنده آقای حاجی میرزا یحیی را جمعی از وطن خواهان و ادار کرده که در اینکار اقدام کنند بختیارها را دیده با نظام السلطنه صحبت کرده بودند و بالاخره بختیارها از دو هزار و چند صد لیره که طلبکار بودند حاضر شده بودند که چهار صد لیره گرفته بچنگ بروند با اینکه مأمورین آلمان گفته بودند که نصف حقوق شمار خواهیم داد و بعقیده آنها نظام السلطنه قانع شده بود با وجود این نظام السلطنه حاضر نشده و پس از مذاکرات زیاد حاضر شده بود که دو بیست لیره بدهند آنها هم تمکین نکرده روز ۲۰ حمادی - الاول ۱۳۳۴ عازم حرکت شده و از اینطرف آب نقل مکان با نظرف آب کردند .

در این روز آقای سردار محیی آنها را ملاقات کردند و بدنبال بنده و آقای حاجی میرزا کریمخان فرستادند که بلکه چاره بکنیم اما من قبل از فرستاده ایشان چون رفتن آنها را خیلی بد میدانستم اقدامی کرده بودم و منتظر اثر آن بودم اما باین اقدام متقاعد نشده با اتفاق آقایان بمنزل بختیارها رفتم که آنها را عجله یک روز مانع شوم شاید بتوانیم کاری بکنیم و باین مقصود هم پس از مذاکره آقایان با آنها نایل شدیم و حاضر شدند یک شب دیگر در همان طرف آب توقف نمایند .

در اینجا لازم است که خاطر خوانندگان را در نتایج وخیمه اینکار آگاه نمایم و بعد از آن آخرین ملاقات خود را با نظام السلطنه بنویسم و انجام کار را مرقوم دارم - معایب رفتن آنها خیلی زیاد است ولی بچند فقره عمده آن اکتفا مینماید :

(۱) بعد از دست دادن کرمانشاه بکلی آلمانیها و عثمانیها خیالشان تغییر کرده و قوای ایرانی را کنار گذاردند و بقوای عثمانی فقط اکتفا کردند یعنی خود را از قوای ایرانی مستغنی یافتند و ما در این موقع نباید غفلت نموده باین عقیده آنها مدد کنیم و بکنفر سوار و پیاده خود را از دست بدهیم چه رسد که اینها یک عده سوارکاری کافی جنگی بوده و بافزار خود آلمانها جنگهای خوب کرده اند و خصوصا "یدالله خان رشادتهای خوب نموده و فتوحاتی نموده است .

(۲) خوانین و سرداران بختیاری امروز صاحب نفوذ کامل و قدرت صحیحی در ایران بخصوص جنوب میباشند حکومت اصفهان - یزد - کرمان - کوهکلویه خود بختیاری همیشه با آنهاست متجاوزا بیست هزار نفر سوار و پیاده میتوانند حاضر نمایند و اگر اینها مایوس شده بطرف مقابل اتصال حاصل نمایند بدون شک دشمن غلبه خواهد کرد و قوای عثمانی هرچه باشد قدرت مقاومت نخواهد داشت .

(۳) شخص امیر مفخم که در اینکار سعی بوده و خانه اش را روسها غارت کرده اند و با جدیت حاضر برای دفاع شده نباید اینطور مفتضح گردد و با اولاد او ملت اینطور

بیحقوقی ابراز دارد در صورتیکه بمانبودن ایل در نزدیکی او از اطراف کمره و گلپایگان و سیلاخور هزار و سیصد نفر سوار تدارک کرده و بمیدان جنگ فرستاد از پسرهای خودش چهار نفر در میدان جنگ حاضر شدند باین حال چه مقتضی است که برای صدلیره یادویست لیره آنها را باین رسوائی از کار خارج نمایند .

(۴) این عده سوار که خود را به پانزده هزار تومان ذی حق میدانند و اینهم از افراد آنهاست بعد از حرکت از قصر چه غارتی است که نخواهند کرد و چه مالی است که نخواهند برد میگویند اغلب آنها گرسنه و فقیر بوده اند (سوارهای سردار مسعود که خانه سیف - الدوله و سید حسین و سایر ارباب مسکن کرده همه چیز داشتند ولی سوارهای یدالله خان و بهادر السلطنه چیزی نداشتند) .

(۵) عیبی که عمده است اینست که امروز قوای ایرانی از ژاندارم و معدودی دیگر گذشته فقط قوای عثمانی است که الآن قریب چهار هزار نفر در میدان جنگ حاضرند و بعد از اینهم از قوا باید استفاده نموده نهایت بترتیب نظامی و طوریکه مضر واقع نشود رفتن بختیاری آنها را مایوس نموده و نخواهد گذارد که کاملاً همراه باشند . تمام این مصالح که در توقف آنها بود و مفاسدیکه در رفتشان میباشد تمام را من و سایر مباحرین ملتفت بوده و کوشش داشتیم و داشتند که دچار این مشکلات نشود نظام السلطنه آنروز ۲۰ جمادی الاولی را بدفع الوقت گذرانده و بوعده مذاکره مصصام الممالک شیرخان سنجایی صبح را بشام آوردند در صورتیکه یک شکایت بختیاریها این که میگویند بروید بعد از این از سنجاییها پول نگیرید ما اگر بمیریم بهتر از اینست که دست بطرف سنجایی دراز کنیم و در ابدیاتی امکان ندارد که ما زیر دستی بکنیم و خودمان را بآنها محتاج قلم بدهیم .

خوانندگان این تاریخ باید بدانند که بختیاریها زباده از بیست مقابل سنجایی و مکنشان باید چهل مقابل آنها باشد عده سوار سنجایی که همه مردهای لیل را حرکت بدهند شاید دوهزار نفر باشد ولی بختیاریها اگر بخواهند تمام جمعیت خود را حرکت بدهند شاید هفتاد هزار نفر سوار و پیاده بتوانند حاضر کنند گذشته از اینکه دارای قوای تازه بطور کامل بوده و هستند و تمام لوازم جنگ را دارا میباشند . ادامه دارد